

linguistic Stylistic miracles in the Holy Quran (The study of system theory in Zomar Sura)

**SayyedeH Roghayyeh Ahmadi¹, Nasrollah Shameli², Somayyeh
Hasanalian³**

PhD Candiadate of Arabic Literature, University of Esfahan, Esfahan, Iran
professor of Arabic Language and literature, University of Isfahan, Isfahan,
Iran

Assistant professor of Arabic Language and literature, University of Isfahan,
Isfahan, Iran

Abstract

No doubt that the Scientists Paid attention to Holy Quran since coming off the Prophet (pbuh) and the topic that they placed great care is Quranic system and its relationship with miracle that peaked when Abd _ alghaher Al _ Jorjani whome drew from all springs which preceded and called for system idea and Philosophized it by his Logical approach and Conscious Thought .Therefore this research aims to study this theory in Zomar Sura, using descriptive analytical approach, referring to the definition of the systems and the most important views of the scientists, meditating in the three parts of the systems, namely: the words, compositions , meaning. The results of the study revealed that compatibility is clear in Sura in its different levels such as Words, compositions, and meaning. And there is Complete Harmony in Using different Styles As Well As The presence of Eloquence imagery Combined with the exact Expressions

Keywords: Quran, system, Zomar, Miracle, compatibility.

بررسی پدیده بینامتنیت قرآنی در اشعار «علی بن عیسیٰ اربلی»

سیده رقیه احمدی^{۱*}، نصرالله شاملی^۲، سمیه حسنعلیان^۳

۱- دانشجوی دکتری گروه عربی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

sr.ahmadi56@yahoo.com

۲- استاد گروه عربی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

shameli1332@gmail.com

۳- استادیار گروه عربی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

shassanaliam@yahoo.com

چکیده

قرآن کریم یکی از حوزه‌های فعال و پر دامنه مطالعات ادبی و زبان‌شناختی است که محققان بسیاری بدان تمایل پیدا کرده‌اند. یکی از زمینه‌های مطرح در این خصوص، نگاه «بینامتنیت» به این کتاب آسمانی است. بینامتنیت یکی از پدیده‌های زبان است که به روابط بین متون پرداخته است و هر متنی را خوانشی از متون دیگر می‌داند. میراث دینی یکی از مهم‌ترین مراجع الهام شاعران و نویسندگان از دیرباز بوده است و قرآن کریم در رأس این میراث دینی قرار دارد و شاعران شیعه از این میراث، بیش از سایر شاعران الهام گرفته‌اند. علی بن عیسیٰ اربلی از شاعران بزرگ و محدثان برجسته شیعه و نیز از بزرگان علمای امامیه و صاحب اثر گرانقدر کشف الغمه است که از این امر مستثنی نبوده است. بنابراین، بررسی و تبیین وام‌گیری این شاعر برجسته شیعه از قرآن کریم با روش توصیفی تحلیلی از اهداف مقاله حاضر است. از مهم‌ترین نتایج پژوهش، این حقیقت است که اربلی در اشعار خود به واژگان و مضامین قرآنی و ساختارهای دستوری قرآن اهتمام فراوانی داشته است و بین اشعار او و قرآن کریم روابط بینامتنی مختلفی روی داده است؛ بدین صورت که گاه واژگان و الفاظ قرآنی و گاهی عبارت‌ها و ترکیب‌های قرآنی را به‌کار برده و گاهی به حوادث و شخصیت‌های قرآنی اشاره داشته و گاهی نیز تنها، مضمون آیه را در نظر داشته است. ایشان در مواردی معدود نیز به ساختار دستوری آیه توجه کرده است تا این حقیقت را به اثبات برساند که شاعران مسلمان و بخصوص شیعه، پیوندی ناگسستنی با قرآن دارند و از آیات قرآنی برای قداست‌بخشیدن به اشعار خویش و نیز غنای ساختاری و معنایی آن بهره فراوان برده‌اند.

واژه‌های کلیدی

بینامتنیت، اربلی، بینامتنیت قرآنی، شاعر شیعه

طرح مسئله

بینامتنیت از جمله پدیده‌های زبانی جدید است که به تعامل بین متون می‌پردازد. بی‌شک خواننده اشعار علی بن عیسی اربلی، شاعر بزرگ شیعه، به وضوح، حرص شاعر را برای به‌کارگیری میراث دینی همچون حدیث، ادعیه مأثوره و آیات قرآنی در شعرش ملاحظه می‌کند. آیات قرآنی و معانی الهام‌گرفته از آیات قرآنی در شعر او به فراوانی یافت می‌شود و پدیده‌های تناس (بینامتنیت) و تضمین از روش‌های شاعر است.

پدیده بینامتنیت قرآنی در شعر اربلی به روش‌های مختلف به‌کار رفته است:

۱- بینامتنی واژگان و الفاظ قرآنی؛ ۲- بینامتنی عبارت‌ها و ترکیب‌های قرآنی: در این قسمت، شاعر گاهی جزئی از آیه مبارکه را به‌کار برده است که ممکن است عیناً جزئی از آیه را شامل شود و ممکن است این جزء با اندکی تغییر باشد؛ این تغییر یا به صورت ایجاد فاصله بین واژگان و یا اندکی تغییر در ساختار و صیغه واژه است که این مسئله ناشی از ضروریات شعری چون وزن، قافیه و... است. ما به هر دو نوع با عنوان بینامتنی عبارت‌ها و ترکیب‌های قرآنی پرداخته‌ایم؛ همچنین، مواردی معدود نیز آیه را به صورت کامل به‌کار برده است که این نوع بینامتنیت قرآنی نسبت به موارد دیگر کمتر در دیوان او مشاهده می‌شود.

۳- بینامتنی مضامین آیات قرآنی؛ ۴- بینامتنی شخصیت‌های قرآنی: در این نمونه نیز شاعر کمتر به مفهوم آیه‌ای که نام این شخصیت در آن برده شده و یا به عبارت بهتر، به داستان زندگی شخصیت توجه داشته است و به‌کارگیری نام این شخصیت بیشتر

برای تصویربخشیدن به شعر و نیز تأکید بر معنای بیت مدنظر بوده است؛ ۵- بینامتنی ساختارهای دستوری قرآنی.

درخور ذکر است که در بینامتنی واژگان قرآنی و نیز جزئی از آیه، شاعر گاهی مضمون آیه را هم در نظر داشته است و گاهی نیز مضمون شعر هیچ رابطه‌ای با مضمون آیه و ام‌گیرنده شاعر ندارد؛ بلکه شاعر، تنها برای غنای شعر خود از لحاظ ساختاری و زیبایی واژگان از قرآن کریم اقتباس کرده است؛ اما در بینامتنی آیات قرآنی به صورت کامل در همه موارد در دیوان اربلی با اقتباس مضمون آیه نیز همراه بوده است.

پیشینه بحث

بسیاری از علاقمندان به علم و ادب، آثار این شاعر شیعی را مطالعه کرده‌اند و دانشمندان و محققان بزرگی از جمله علامه محقق سیداحمد حسینی، علامه محمد بن طاهر سماوی نجفی، و دکتر کامل سلمان الجبوری، دیوان اشعار او را بارها تحقیق و جمع‌آوری کرده‌اند. از جمله پژوهش‌ها و مقالاتی که در زمینه شعر و شخصیت ایشان نگاشته شده است:

- تعلیقات «علی دیوان علی بن عیسی اربلی» از استاد عبدالله الجبوری، مجله الذخائر اللبانیة، ۲۰۰۲، العدد التاسع.

- مقدمه السیداحمد الحسینی حول شاعریه اربلی، کتاب کشف الغمة ۱۷/۱-۱۸.

- علی بن عیسی اربلی (مورخ عترت)، از سیدعلی نقی میرحسینی، مجله فرهنگ کوثر، شماره ۶۴، زمستان ۱۳۸۴.

گرچه واژه بینامتنیت از ابداعات ژولیا کریستوا و در نتیجه مطالعات او درباره نظریات باختین است، کریستوا به شدت متأثر از افکار حاکم بر حلقه تل کل (tel Quel) بود که در آن افرادی همچون رولان بارت، ژاک دریدا و فیلیپ سولر گرد هم می‌آمدند و از مهم‌ترین حلقه‌های فکری و فرهنگی قرن بیستم محسوب می‌شد.

اما گذشته از تاریخچه و نظریه‌پرداز، نظریه بینامتنیت این است که هر متنی یک بینامتن است؛ دیگر متن‌ها در سطوح متغیر و با شکل‌های کمابیش قابل شناسایی در آن حضور دارند؛ متن‌های فرهنگ پیشین و متن‌های فرهنگ پیرامون؛ هر متنی یک بافت جدید از نقل قول‌های متحول شده است.

«در هر متن، متون دیگر در سطوح متغیر و کمابیش قابل شناسایی حضور دارند؛ متن‌هایی که متعلق به فرهنگ‌های پیشین هستند» (کریستوا، ۱۹۷۳، ص ۱۲۸). «سخن با سخن‌های پیشین که موضوع مشترکی داشته باشند و با سخن‌های آینده گفت‌وگو می‌کند که به یک معنا پیشگویی و واکنش به آنهاست» (احمدی، ۱۳۸۷، ص ۹۳). در واقع، بینامتنیت «نشان‌دهنده ناحیه تقاطع مرزهای جنسیت، دوره زمانی، مؤلفان، سوژه‌ها، سبک‌های هنری و ملیت‌هاست» (لواب، ۲۰۰۲، ص ۴۴).

در واقع، آثار ادبی پیشین، آثار ادبی را بر اساس نظام‌ها، رمزگان‌ها و سنت‌های ایجادشده بنا می‌کنند؛ دیگر نظام‌ها و رمزگان و سنت‌های هنری در شکل‌گیری معنای یک اثر ادبی حائز اهمیت هستند و اصولاً بدون در نظر گرفتن آن‌ها ما قادر به دریافت معنی از متن نبودیم. این نشان می‌دهد که متن‌ها، خواه ادبی خواه غیرادبی، معنای مستقل ندارند و هر

اما تا کنون بینامتنیت و به‌ویژه بینامتنیت قرآنی در اشعار اربلی به سبک مقاله نگاشته نشده است. در این مقاله تلاش شده است روش‌های الهام‌پذیری شاعر از قرآن دسته‌بندی شود. اهمیت پژوهش حاضر آن است که یکی از مباحث جدید زبانشناسی در دیوان شاعر شیعی بررسی شده که از نظر محتوا در سطح مطلوبی بوده است و شایستگی و ارزش تجزیه و تحلیل را دارد. بدین منظور، ابتدا پدیده بینامتنیت به صورت اجمال بررسی شده است؛ سپس شرح حال مختصری از علی بن عیسیٰ اربلی و جایگاه شعری وی، ارائه و آنگاه بینامتنیت قرآنی در اشعار او نقد و بررسی شده است.

نظریه بینامتنی

نظریه بینامتنیت از جمله نظریات جدیدی است که در حوزه مطالعات ادبی مطرح شده و به معنی شکل‌گیری معنای متن با متون دیگر است. اندیشمند روسی «میخائیل باختین» برای نخستین بار در کتاب *فلسفه زبان*، مفهوم بینامتنیت را مطرح کرد. باختین بینامتنیت را چنین تعریف کرد: بررسی و اطلاع از حقیقت تأثیر و تأثر میان متون در تعامل با متون پیش از خود. (بتیس، ۱۹۹۷، ص ۱۸۳). شاگرد باختین «ژولیا کریستوا» نظریه بینامتنیت را در اواخر دهه شصت قرن بیستم میلادی به مفهوم نهایی و کامل خود رساند. وی در کتاب خود با عنوان *انقلاب زبان* شعر به مطالعه و بررسی تطبیقی بینامتنیت پرداخته و مفهوم آن را تأثیر یک متن در متن دیگر دانسته است (زغبی، ۲۰۰۰، ص ۱۴) جولیا کریستوا در سال ۱۹۶۶ دفعات بسیاری، اصطلاح بینامتنیت را از زمان ابداعش تغییر داده و قرض گرفته است.

کلمه، جمله، متن و بندی که مؤلف به کار می‌گیرد یا کل متنی که می‌آفریند، ریشه در نظام زبانی دارد که خود برآمده از آن بوده است و از این رو، معنای خود را نیز براساس همین نظام کسب می‌کند.

بینامتنیت در ادبیات عربی

در بررسی ادبیات عربی باید بینامتنیت را اصطلاحی جدید برای یک پدیده نقدی کهن دانست که با عناوینی همچون «تضمین»^۱ و «اقتباس»^۲ و «تلمیح»^۳ (الهاشمی، ۱۳۷۷: ۳۶۶) در کتب بلاغی و نقدی از آن تعبیر شده است.

مهم‌ترین هدفی که بینامتنیت دارد، کشف نشانه‌ها و آثار مثبت متون دیگر بر یک متن است.

یکی از منتقدان معاصر عرب، با تأثیر از کریستوا از روابط بینامتنی با واژه «التناس»، تعبیر و آن را چنین تعریف می‌کند: «بینامتنی، تعامل متون گوناگون با یکدیگر در کم و کیف‌های مختلف است» (مفتاح، ۱۹۸۵، ص ۱۲۱). در حالت‌ها و انواع بینامتنیت، گاهی مؤلف، جزئی از متن غایب را بدون هیچ‌گونه تغییر در متن خود می‌آورد. گاهی نیز متن پنهان با تغییراتی در متن حاضر گنجانده می‌شود. در پاره‌ای از موارد نیز، مؤلف متن پنهان را بازآفرینی کامل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که آن را در معنایی متفاوت با معنای غایب به کار می‌برد (سالم، ۲۰۰۷، ص ۵۱).

با نگاهی به آثار ادبی درمیابیم که ادبا از میراث کهن به‌ویژه میراث دینی بهره فراوانی برده‌اند و از آن، مرجعی غنی برای آثار ادبی خود ساخته‌اند. قرآن

کریم در رأس میراث دینی قرار دارد که درحقیقت منبعی کامل است و ادبا در تمام دوران در ادبیات عربی و به‌ویژه ادبیات اسلامی و شیعه از آن متأثر شده‌اند. این امر، یعنی الهام‌گیری از قرآن دلایل مختلفی دارد که از جمله آن‌ها انتقال شعر یک شاعر از عرصه شاعران معمولی به درجه شاعران برجسته و قداست‌بخشیدن به شعر است؛ همچنین نشان‌دهنده اهتمام فراوان شاعر به تلاوت قرآن و تعمق و تدبر او در معانی و مفاهیم آیات قرآنی و نیز آشنایی او با علوم مختلف قرآنی از جمله تفسیر و شأن نزول آیات قرآنی و... است.

علی بن عیسی اربلی

«ابوالحسن بهاء‌الدین علی بن عیسی» معروف به علی بن عیسی بین سال‌های ۶۲۰ تا ۶۲۵ ق. در شهر «اربل» به دنیا آمد. اربل، شهری قدیمی است که در جنوب شرقی شهر موصل و شمال شرقی کشور عراق واقع شده است. (الحموی، ۱۳۲۳، ج ۱، ص ۱۷۲).

اربلی، علوم مقلداتی را در زادگاهش آموخت. وی ادبیات، فقه و حدیث را نزد دانشمندان شیعی و سنی اربل فراگرفت و در کمترین زمان ممکن، در زمره عالمان بنام شهر قرار گرفت. او بعد از اتمام تحصیلات و کسب علوم رایج عصر خویش در نزد اساتید فن و نخبگان آن دوران به ترویج فرهنگ اسلام پرداخت. وی در فن نگارش و شعر و ادب، شایان توجه عالمان دانش‌دوست و حاکمان عالم‌پرور قرار گرفت.

اربلی در دوران زندگی خویش با دانشمندان بزرگ اسلامی چون خواجه نصیرالدین طوسی، حسن بن یوسف (پدر علامه حلی) و علی بن موسی بن

^۱ شاعر در کلام خود شعر مشهوری از دیگری را به کار برد با اشاره به منبع آن.

^۲ یعنی متکلم از آیات قرآن در کلام نثر یا نظم خود به کار برد.

^۳ اشاره به داستانی مشهور یا ضرب‌المثلی رایج از فرد دیگری.

هق) دارفانی را وداع گفت. پیکر شریف او در شهر بغداد و در خانه مسکونی‌اش به خاک سپرده شد. مزار این عالم وارسته قرن‌هاست که زیارتگاه شیفتگان آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

بررسی بینامتنی قرآنی در شعر علی بن عیسی اربلی

۱- بینامتنیت واژگان قرآنی:

به‌کارگیری واژگان و الفاظ قرآنی مهم‌ترین و فراوان‌ترین شکل تناسف را در اشعار اربلی تشکیل می‌دهد که در آن، شاعر لفظ یا الفاظی را از یکی از آیات قرآن ذکر می‌کند که برای کسی که آشنایی اجمالی با آیات قرآن کریم داشته باشد، آشکارا فهم‌پذیر است. در این قسمت به برخی نمونه‌های آن اشاره می‌شود:

□ «عبدا شکورا»:

كَمْ أَيَادٍ أَوْلَىٰ وَكَمْ نِعْمَةٌ أَسْمَىٰ
سَدَىٰ فَلْيَ أَنْ أَكُونَ عَبْدًا شَكُورًا
(الاربلی، ۲۰۰۶، ۸۶)

(أَنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا) [اسراء: ۳]

گویی اربلی با یادآوری این آیه به لزوم بنده‌ای شکرگزاربودن در برابر نعمت‌های بیکران الهی تأکید می‌کند و جملاتی از قرآن را یادآوری می‌کند و مضمون شعر او نیز با مضمون آیه هماهنگ است. ناقدان معاصر این سبک تناسف را «التناسف الاقتباسی الكامل المنصص» نامیده‌اند و این نوع تناسف عبارت است از اینکه «شاعر در اثنای کلام خود، متن مستقل و کاملی از قرآن، حدیث، بیت و یا مصراع شعری از شاعر دیگر را به همراه دلالت معنایی آن به کار ببرد» (حلبی، ۲۰۰۷، ص ۳۵).

طاووس معاصر و مرتبط بود و از استادان شخصیت‌های بنامی چون علامه حلی و ابن‌الغوطی نیز است (الاربلی، ۱۹۸۴، ص ۲۱۳).

آثار مهم علمی و ادبی اربلی عبارتند از: المقامات، رساله الطیف، دیوان اشعار و کشف الغمّه فی معرفه الائمه علیهم‌السلام. کشف الغمّه کتابی گرانقدر و بهترین اثری است که درباره تاریخ پیشوایان دین، نشان‌دادن فضائل آنان و دفاع از حریمشان و دعوت به سوی آنان نوشته شده است. برای بیان مقام رفیع علمی او همین اثر ارزشمند کشف الغمّه کفایت می‌کند که مجموعه‌ای مستند و متقن در فضائل و مناقب اهل بیت علیهم‌السلام و درحقیقت یک دوره امام‌شناسی و یکی از مهم‌ترین منابع شیعی در این موضوع است.

گرچه مهم‌ترین و مشهورترین اثر به‌جامانده از اربلی، کشف الغمّه است که یک کتاب تاریخی و روایی است، نبوغ او در شعر و ادب، بیش از تاریخ و روایت بوده است. او به دلیل برخورداری از ذوق شعری و طهارت درون و ید طولایی که در شعر و ادب داشت، به تدریس، تشکیل و اداره جلسات علمی و ادبی و نظارت و کنترل بر سروده‌های دیگران پرداخت. وی به این منظور، خانه‌اش را در بغداد مکانی برای آمدوشد فضلا و شاعرانی قرار داد که آثار خویش را نقد و بررسی می‌کردند و به مباحثه علمی می‌پرداختند. دیوان شعری دارد که مشتمل بر حدود هزار بیت شعر است که نیمی از اشعار دیوان او به مدح اهل بیت علیهم‌السلام اختصاص دارد.

علی بن عیسی اربلی بعد از سال‌ها تلاش و کوشش در راه ترویج دین و مذهب تشیع و اعتلای پرچم پرافتخار اهل بیت علیهم‌السلام در سال (۶۹۳

□ «عبوس»

فَأَرَانِي وَالْوَجْهَ مِنْنِي طَلَّقُ

وَأَرَى أَوْجُوهَ الشُّنَّانِ عَبُوسًا

(الإربلی، ۲۰۰۶، ۸۶)

در این آیه دو نوع بینامتنیت وجود دارد. بینامتنیت واژگانی که شاهد آن، واژه «عبوس» است و شاعر آن را از این آیه مبارکه اقتباس کرده است: (إِنَّا نَخِيفُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا) [انسان: ۱۰]

و بینامتنیت مضمونی که بیت یادآور مضمون این آیه از قرآن است:

(وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفَرَةٌ ۚ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ، ۚ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيهَا غَبْرَةٌ ۚ تَرْتَفِفُهَا فَتْرَةٌ) [عبس: ۳۸-]

[۴۱]

□ «اخلع»

وَاخْلَعْ بِمَشْهَدِهِ الشَّرِيفِ مُعْظَمًا

تَعْظِيمَ بَيْتِ اللَّهِ ذِي الْأَسْتَارِ

(الإربلی، ۲۰۰۶، ۸۳)

وَاخْلَعْ إِذَا شِئْتَ ذَاكَ التُّورِي

فِعْلَ كَلِيمِ اللَّهِ فِي الْوَادِي

(الإربلی، ۲۰۰۶، ۶۵)

(وَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى)

[طه: ۱۲]

در این دو بیت، علاوه بر اینکه شاعر واژه «اخلع» را از قرآن کریم وام‌گیری کرده، به مضمون آیه مبارکه نیز اشاره کرده است که خداوند به موسی کلیم الله دستور داد که در وادی مقدس «طوی» نعلین خود را از پا بیرون آورد.

□ «مدرار»

وَابْتَسَمَ الرَّوْضُ فِدْمَعُ الْحَيَا

عَلَى ابْتِسَامِ الرَّوْضِ مِدْرَارُ

(الإربلی، ۲۰۰۶، ۷۱)

(يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا) [نوح: ۱۱].

□ «السبع الشداد»

إِمَامٌ هُدَى لَهُ شَرَفٌ وَمَجْدٌ

عَلَا بِهِمَا عَلَى السَّبْعِ الشُّدَادِ

(الإربلی، ۲۰۰۶، ۶۳)

(وَبَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا) [نبا: ۱۲] †

□ «حسیرا»

مِنَ الْقَوْمِ لَوْ جَارَاهُمُ الْغَيْثُ لَانْتَشَى

حَسِيرًا فَلَمْ تَسْمَعْ زَيْبَرَ رُعُودِهِ

(الإربلی، ۲۰۰۶، ۵۹)

إِنْ جَرَى الْبَرْقُ فِي مَدَائِكُمْ كَبَا مِنْ

دُونِ غَايَاتِكُمْ كَلِيلًا حَسِيرًا

(الإربلی، ۲۰۰۶، ۸۵)

(الله الذي خلق سبع سماوات طباقًا ۗ ما ترى ۗ

في خلق الرحم ۗ من تفاوت ۗ فارجع البصر هل

ترى ۗ من فطور ۗ ثم ارجع البصر كرتين ينقلب

إليك البصر خاسبًا وهو حسير) [ملك: ۳ و ۴]

□ «برداً وسلاماً»

ثُمَّ أَلْقَتْ فِي نَارِهِ أَسْوَدَ الْخَا

لِ فَكَانَتْ لَهُ سَلَامًا وَبَرْدًا

(الإربلی، ۲۰۰۶، ۵۵)

در این بیت علاوه بر بینامتنیت واژگانی در مصراع اول، بینامتنیت مضمونی نیز در مصراع دوم وجود دارد که به آن اشاره خواهد شد.

۲- بینامتنیت عبارات و تراکیب قرآنی:

□ «وجهت وجهی»

يَا كَعْبَةَ الْحُسَيْنِ الَّذِي لِحَمَالِهِ
وَجَهَّتْ وَجَهِي فَهُوَ غَايَةُ مَقْصَدِي
(الربلي، ۲۰۰۶: ۵۷)

(إِنِّي وَجَهْتُ وَجَهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ) [انعام: ۷۹]

در این بیت نیز شاعر در وصف جمال محبوب خویش، تنها به اقتباس بخشی از آیه اکتفا کرده است و مضمون بیت با مضمون آیه همخوانی ندارد.

□ «لا يستطيع الصبر»

قَدْ كُنْتُ أَحْسَبُ أَنَّ صَبْرِي مُنْجِدٌ
حَتَّى بَعُدْتُ فَمَا اسْتَطَعْتُ تَصَبُّرًا
(الربلي، ۲۰۰۶: ۸۷)

يَا هَذِهِ كَفَى مَلَائِكِ عَن قَتِي
لَا يَسْتَطِيعُ إِذَا هَجَرْتِ تَجَلُّدًا
(الربلي، ۲۰۰۶: ۵۴)

(قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا)
[كهف: ۷۲].

در این دو بیت شاعر در بیان عدم استطاعت خویش در صبر و تحمل بر فراق محبوب از بخشی از آیه قرآنی با اندکی تغییر در صیغه فعل از «يستطيع» به «استطعت» و نیز واژه «صبر» به «تصبر» و «تجلد»، به معنی صبر، وامگیری کرده است.

(قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ)

[انبیاء: ۶۹ و ۷۰].

□ «جنه الخلد»

يَمْنَحُونَ السُّورَىٰ جَنَّةً عَدْنٍ
وَالْعَادُو الشَّقِيَّ يُصَلِّي سَاعِيرًا
(الربلي، ۲۰۰۶: ۸۶)

وَأَصْبَحَتْ أَيَّامُهُ لَا انْقِصَاصَ
وَلَا تَوَلَّىٰ جَنَّةَ الْخُلْدِ
(الربلي، ۲۰۰۶: ۵۱)

(قل اذلك خير أم جنه الخلد التي وعد المتقون
كانت لهم جزاء ومصيرا). [فرقان: ۱۵]

□ «زاد» و «حرا»

عَاتَبْتَنِي فَجَالَ مَاءُ الْحَيَا فَي
وَجَنَّتِيهَا فَزَادَ حَارًّا وَوَقَّدَا
(الربلي، ۲۰۰۶: ۵۵)

(...وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا
لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ... وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَن
يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ
إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ) [توبه: ۱۲۹]

در این بیت نیز شاعر به اقتباس چند واژه به صورت پراکنده از آیه مورد نظر پرداخته و اقتباسی از مضمون آیه وجود ندارد.

□ «العروة الوثقى»

أَنْتُمْ عَوْثُكُمْ وَعُرْوَةُ الْوَثْقِ
قَتِي إِذَا أَنْكَرَ الْخَلِيلَ الْخَلِيلُ
(...فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ
اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ...) [بقره: ۲۵۶] (الربلي،

□ «حسبی الله»

إِنْ أَكُنَّ مِنْ أَضْمَرٍ صَوَّباً
عَنكَ فَاللَّهِ حَسْبِي
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۳۵)

(الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ) [آل عمران: ۱۷۳]. در این بیت نیز اقتباس جزئی از آیه، واضح و آشکار است.

□ «دعا، سمیع، مجیب»:

دَعَا الْقَلْبَ حُبُّكَ يَا قَاتِلِي
فَكَانَ لَهُ إِذْ دَعَاهُ مُجِيبًا
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۳۸)

مَا دَعَاهُ الْغَرَامُ إِلَّا وَوَلَّاقِي
مِنْهُ أَنَّى دَعَا سَمِيعًا مُجِيبًا
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۳۹)

(هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَاءِ) [آل عمران: ۳۸]
(...إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ) (سوره هود: ۶۱) (وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ) [بقره: ۱۸۶].

بین مضمون این دو بیت و مضمون آیات مبارکه ارتباطی وجود ندارد. شاعر برای بیان تسلیم شدن و اجابت بی درنگ قلب خود در مقابل عشق محبوب، از واژگان و جزئی از آیات مبارکه وام‌گیری کرده است که بر خواندن و دعاکردن و شنیدن دعا و اجابت سریع آن از جانب خداوند متعال دلالت می‌کند.

□ «طَهَّرْكُمْ تَطْهِيراً»:

مَنْ يُجَارِيكُمْ وَقَدْ طَهَّرَ اللَّهُ
تَعَالَى أَخْلَاقَكُمْ تَطْهِيراً
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۸۵)

(إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً). [احزاب: ۳۳]

يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ
يَتِيمًا وَبَائِسًا وَأَسِيرًا
لَا يُرِيدُونَ بِالْعَطَاءِ جَزَاءً
مُحِيطًا أَجْرًا بِرَّهِمْ أَوْ شُكْرًا
فَكَفَاهُمْ يَوْمًا عَبُوسًا وَأَعْطَاهُمْ
عَلَى الْبِرِّ نَصْرَةً وَسُرُورًا
وَجَزَاهُمْ بِصَبْرِهِمْ وَهَوَاؤِ أَوْلِيَ
مَنْ جَزَى الْخَيْرَ جَنَّةً وَحَرِيرًا
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۸۶)

(وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، ۱۰ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لِأَتْرِيدَ مِنْكُمْ جِزَاءً وَلَا شُكْرًا، ۱۱ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا، ۱۲ فَوْقَهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّهْمُ نَصْرَةً وَسُرُورًا، ۱۳ وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا) [الانسان: ۷-۱۲].

شاعر در این چهار بیت، پنج آیه سوره «انسان» را به کار برده که خداوند در شأن اهل بیت (ع) نازل کرده است؛ زمانی که سه روز روزه گرفتند و هر سه روز افطاری خود را به سه سائل مسکین، یتیم و اسیر بخشیدند.

دوستان صمیمی با یکدیگر دشمن می‌شوند، اهل بین معین و یاور و ریسمان محکمی هستند که انسان می‌تواند به آن متمسک شود.

□ مساوی نبودن عالم و نادان.

شاعر خطاب به کسانی می‌گوید که او را به خاطر عشقش سرزنش می‌کنند:

فَعَدَّ عَنِّ عَذْلِي فَمَا جَاهِلٌ
بِالْحَالِ يَا عَاذِلُ مِثْلُ الْعَلِيمِ
(الاربلی، ۱۰۷:۲۰۰۶)

از سرزنش من دست بردار؛ زیرا نادان به احوال کسی مانند دانا به احوال او نیست. یعنی تو از حال و شیدایی من در عشق بی‌خبری؛ پس مرا سرزنش نکن که به مضمون این آیه قرآنی اشاره دارد:

(قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ) [زمر: ۱۰]

□ خوف ظالم از خسران و بدبختی

أَتَرْجَى بِبِهِ النَّجَاةَ إِذَا مَا
خَافَ غَيْرِي فِي الْحَشْرِ ضُرّاً وَبُؤْساً
(الاربلی، ۹۰:۲۰۰۶)

(بِوَمَنْ يَعْمَلُ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ قَلًا يَخَافُ ظُلْمًا وَكَأْ هَضْمًا) [طه: ۱۱۲]. شاعر در مدح امام رضا(ع) می‌گوید: در روز قیامت که دیگران از خسران و بیچارگی می‌ترسند، او به واسطه امام(ع) امید نجات و رستگاری دارد که می‌توان گفت شاعر از مضمون این آیه مبارکه به روش عکس بهره برده است؛ بدین صورت که وقتی مؤمن از ظلم و فنا نمی‌ترسد، پس غیرمؤمن حتماً می‌ترسد. همسانی واژه «خاف» با «یخاف» در اشتقاق، و دو واژه «ضرراً و بؤساً» با «ظلماً و هضماً» در وزن و اعراب بیان‌کننده این امر است.

يَمْنَحُونَ السُّوْلَى جَنَّةً عَدْنًا
وَالْعَادُوُ الشَّقِيُّ يُصَلِّي سَاعِيرًا
(الاربلی، ۲۰۰۶: ۸۶)

(وَيَصَلِّي سَاعِيرًا) [انشقاق ۱۲] در این بیت شاعر آیه قرآنی را به صورت کامل اقتباس کرده است.

۳- بینامتنی مضامین آیات قرآنی

گاهی اربلی از مضمون آیه یا آیاتی برای به تصویر کشیدن اندیشه و فکر خود الهام می‌گیرد؛ بدون اینکه به ذکر صریح مفردات آن آیه اقدام کند. هرچند گاهی واژه‌ای از آیه با تغییراتی نیز ذکر می‌شود، آنچه مدنظر شاعر بوده، تأکید بر معنا و مفهوم آیه است که پژوهشگران معاصر این نوع بینامتنیت را «امتصاصی» نامیده‌اند. امتصاصی عبارت است از اینکه شاعر از مضمون، هدف و اندیشه متنی دیگر الهام بگیرد و آن را در ساختاری جدید به کار گیرد؛ بدون ذکر صریح و واضح از متن سابق. (حلبی، ۲۰۰۷، ص ۴۰)

□ دشمن شدن بعضی از دوستان با یکدیگر در روز قیامت:

أَنْتُمْ عَوْنُهُ وَعُرْوَتُهُ الْوَيْثُ
سَقَى إِذَا أَنْكَرَ الْخَلِيلَ الْخَلِيلُ
(الاربلی، ۹۹:۲۰۰۶)

مصرع دوم بیت به مضمون این آیه مبارکه اشاره می‌کند: (الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ) [الزخرف: ۶۸]. هرچند شاعر واژه قرآنی «خلیل» را به صورت جمع به کار برده است، تأکید بر معنا و مضمون آیه، مدنظر شاعر بوده است و آن بیان این واقعیت است که در روز قیامت که بسیاری از

۴- بینامتنی ساختارهای دستوری قرآنی:

□ «یأن» و «أن»

جرئت علی رسم من الجور واضح
أما آن يوماً أن ترق وترحما
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۱۱۰)

(لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ...) [حدید، ۱۶]

پیرامون این بیت درخور ذکر است هر چند واژه «آن» اشتقاقی از واژه «یأن» است و عین لفظ نیست؛ در هر صورت شاعر در بیان مفهوم مدنظر خویش از ساختار دستوری جملات قرآنی استفاده کرده است.

۵- بینامتنیت شخصی‌ات و حوادث قرآنی:

□ هاروت

نَسِيمُ الصَّابَا عَنْ عَرَفٍ هِنْدٍ يُحَدِّثُ
وَهَارُوتُ عَنْ أَجْفَانِهَا السُّحْرَ يَنْفُثُ
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۴۲)

رَشَاءُ، بَابِلُ تُرَوِي سِحْرَهَا
عَنْ حَدِيثِ السُّحْرِ مِنْ مُقَلَّتِهِ
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۴۱)

وَشَادِنِ خُلُو اللَّمَى أَيْفِ
هَارُوتُ فَمَى فَتَرَةَ أَجْفَانِهِ
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۱۱۵)

وَبَطْرِفِ إِذَا رَتَا حَارَ هَارُو
تُ وَغَارَ الْمُهَنَّئِ التَّارُ
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۸۴)

(وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَى مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ) [بقره: ۱۰۲]

آنچه پیرامون این آیه مبارکه شایان ذکر است این است که «هاروت» و «ماروت» دو جادوگر قهار در بابل بودند که دیگران از جادوی آن‌ها استفاده صحیحی نمی‌کردند؛ جادویی را که از آن دو می‌آموختند در راه‌های نادرستی چون جدایی‌انداختن میان زن و شوهر و... به کار می‌بردند که روایات در انسان و یا فرشته‌بودن این دو مختلف است و بحث مفصل نیز در مورد این مطلب از حوصله این مقاله خارج است.

شاعر بارها در غزل‌های خود در وصف جادوگری چشم محبوب به این شخصیت قرآنی، اشاره و جادوگری چشمان محبوب را به جادوگری این شخصیت قرآنی مانند کرده است. در یک مورد نیز تنها به ذکر نام «بابل»، محل این فرشته، اکتفا کرده است که در واقع منظور شخص «هاروت» بوده است.

□ «خلیل» و «کلیم»

أَيَا رَبِّ حُسْنٍ قَدْ تَعَالَى مَلَاخَةُ
خَلِيلِكَ قَدْ أَضْحَى كَلِيمًا مِنَ الصِّدِّ
(الإربلی، ۲۰۰۶: ۵۴)

ظاهر واژه «خلیل» در مصراع اول به شخصیت حضرت ابراهیم خلیل الله در این آیه اشاره می‌کند:

(وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا...) [نساء: ۱۲۵].

و ظاهر واژه «کلیم» در مصراع دوم به این آیه قرآنی اشاره می‌کند:

به این دلیل که در بینامتنی شخصیت، تنها اشاره به یک حادثه تاریخی و ملموس کردن معنای مدنظر به صورت اشاره و تلمیح مدنظر است و تأثیر چندانی در زیبایی ظاهری و حتی معنایی شعر ندارد؛ درحالی که آنچه برای شاعر اهمیت دارد، زیبایی واژگان و عبارات و ترکیب‌های شعری است.

در به‌کارگیری واژگان و عبارت‌ها و ترکیب‌های شاعر گاهی مضمون آیه را نیز مدنظر داشته است؛ اما در بیشتر موارد، مضمون شعر به مضمون آیه ارتباطی ندارد و شاعر، تنها ظاهر عبارت را از قرآن اتخاذ کرده است.

قرآن کریم ضمن به‌کارگیری الفاظ و ساختارهای زبان و ادبیات زمانه خود و ایجاد تنوع و نوآوری در ساختارهای مختلف به متنی سهل و ممتنع مبدل شده است؛ به‌گونه‌ای که همه خوانندگان به سادگی با آن انس می‌گیرند و ارتباط برقرار می‌کنند. اربلی نیز در شعر خود با آن ارتباط برقرار کرده و به روش‌های مختلف از آن وام‌گیری کرده است.

قرآن کریم بر اساس واژگان و ساختارهای زبان و ادبیات عرب نازل شده است؛ اما هدف قرآن از به‌کارگیری این واژگان و ساختارهای گوناگون کلام، تنها بیان مفاهیم الهی و هدایت‌گر است. همین امر مهم‌ترین تفاوت قرآن با دیگر متون پیش و پس از آن است که با بررسی اشعار شاعران مختلف و به‌ویژه شاعر مدنظر این قضیه به اثبات می‌رسد؛ زیرا شاعر هم در غزل خود که وصف دلداگی‌های او با معشوق است و بیان مفاهیم الهی مدنظر نیست و هم در مدح اهل بیت (ع) که بیان این مفاهیم مدنظر است، از آیات قرآن بهره برده است.

(وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا). [نساء ۱۶۴]

شایان ذکر است که تنها ظاهر این دو کلمه بر شخصیت حضرت ابراهیم و موسی علیهما السلام دلالت می‌کند؛ اما درواقع، «خلیل» در این بیت به معنای دوست و «کلیم» به معنای مجروح است و شاعر خطاب به دوست خود می‌گوید: دوست تو (شاعر) در فراق تو مجروح و زخم‌دیده شده است.

درواقع، شاعر برای آراستن شعرش به محسنات بدیعی برای بیان منظور خویش از دو واژه استفاده می‌کند که ظاهر آنها بر شخصیت دو پیامبر عظیم الشأن دلالت می‌کند، اما معنای واقعی آن دو چیز دیگری است. علمای بلاغت، این عمل شاعر را «توریه» نامیده‌اند که یک صنعت بدیعی است و عبارت از این است که کلمه‌ای ذکر شود که دارای دو معنی است. یکی نزدیک؛ اما مدنظر نیست. یک معنی دور که مدنظر است (التفتازانی ۱۳۸۳، ص ۲۷۱).

نتیجه‌گیری

با تأمل در اشعار علی بن عیسی اربلی برای پی‌بردن به میزان اثرپذیری وی از قرآن کریم نتایجی چند به دست آمد:

بینامتنی عبارات و تراکیب قرآنی و واژگان قرآنی و مضامین و مفاهیم قرآنی بیشترین تأثیر را در غنی‌سازی شعر از لحاظ زیبایی ساختار ظاهری و نیز مضمون دارند. این سه نوع بینامتنی به ترتیب، بیشترین نوع بینامتنی قرآنی است که شاعر به‌کار گرفته است.

بینامتنی ساختار دستوری و شخصیت، کمترین نوع بینامتنی است که شاعر به‌کار گرفته است. شاید

- Saleh Al-Samarrai. Fazil. (2008). The eloquence of the word In the Qur'anic expression. Oman: Ammar Publishing House.
- Sadr Al-Mota-Al-Alyin. Muhammad ibn Abraham. (1366). Interpretation of Al-Quran al-Karim. Qom: Awake.
- Tabataba'i. Seyed Mohammad Hossein. (1367). The balance in the interpretation of the Quran. Translation by Seyed Mohammad Bagher Mousavi Hamedani. Fifth Edition. Qom: Islamic Publishers Office.
- Tabriz, Fazl ibn Hasan. (1372). Complex of the interpretation of the Koran. Third edition. Tehran: Naser Khosrow.
- Abbas Fazl. (1999). The rhetoric its arts and artists Semantics. fourth edition. Oman: Dar Al Furqan.
- Abdul Aziz Jaballah. Osama. (2009). Aesthetics of voice coloring in the Holy Quran. Tanta: House and library Isra.
- Faghy. Sobhy Ibrahim. (2000). Textual Linguistics between Theory and Practice An applied study on the Masculine suras. Cairo: House of Quba.
- Vendres. J. (1967). The language. Translated by Abdul Hamid Al - Dahali and Mohammed Al - Qassas. Cairo: The Angelo Library.
- Ghotb. Seyed. (1983). Artistic photography in the Koran. Eighth edition. Cairo: Dar Alsharouq.
- , (1971). In the shadows of the Koran. Beirut: Arab Heritage Revival House.
- Makram Sherazi. Nasser and partners. (1374). Sample Interpretation. Tehran: Islamic Book House.
- Mandour. Muhammad. (No history). In the new balance. Cairo: Egypt Nahda Library.
- Holy Quran.
- The language population, India , Hyderabad: Council Ottoman Encyclopedia Press.
- Ibn Saad AlDadl, Muhammad, (No history), Quranic systems in Surah Al - Raad , No place: World of Books.
- Ibn Manzour, Jamal al-Din (1994), Arabic Language, Beirut: Dar Sader.
- Abu Zahra, Muhammad, (1970) , The Great Miracle: Quran, Cairo: Arab Thought House.
- Aljerjani, Abdul Qahir (1992), Signs of Miracles, Third Edition, Comments by Mahmoud Mohamed Shaker, Cairo: Al - Khanji Library.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar bin Mohammed, (1995), Search for The facts of the Quran and And the eyes of gossip in the faces of interpretation. Beirut: Scientific Books House .
- , (1923). Basis of rhetoric. Cairo: Egyptian Book House.
- AlAlavi, Yahya bin Hamza. (1995). The style of the secrets of rhetoric. Investigation of Mohammed Shaheen. Beirut: Scientific Books House.
- Olman, Stephen. (No history). The role of the word in the language. Translation: Kamel Bishr. Twelfth Edition. Cairo: Dar Ghraib for printing and publishing.
- Rafiq Ahmed Saleh, Moin. (2003). A Stylistic Study in Surah Maryam. n-Najah National University.
- Samiee, Ahmad. (1365). The Word and the Message of Hafez. Selected articles on the publication of knowledge about Hafez. Tehran: University Publication Center.
- Sheikh amin. Bakri. (1994). Artistic expression in the Qur'an. Beirut: House of science for millions.